

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/03/18



موضوع: کتاب الطهارة/أحكام النفاس /تتمه و توضیح مسأله 3 و 4 از مسائل مربوط به مرأة نفساء

عزیزان گفتند که امروز مصادف است با سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی و شهادت حمزة سیدالشهداء برای شادی روح این دو بزرگوار دو صلوات ختم کنید. توضیح مسأله سوم از مسائل مربوط به مرأة نفساءمسئله نفاس پیچ و خمی داشت که بعضی از عزیزان صورت مسئله را سوال کردند. یک توضیح بسیار مختصر صورت مسئله را بگویم و بعد مسئله چهارم را شرح بدهم و یکی دو جلسه دیگر انشالله از وادی این بحث بیرون می رویم و مسئله غسل اموات می آید و دیگر راحت می شوید از احیا و تولیدات حیض. برای شما بگویم به طور کل نفاس حداکثرش مشهور؛ منصوص؛ ده روز است. حداقل ندارد؛ برخلاف حیض. این مسئله در فقه جزء مسلمات؛ اگر می خواهید تقلید هم نکنید جزء ضروری می تواند باشد در این دو مسئله. اما اگر نفساء یعنی زنی که ولادت کرده است. تمام این ده روز را رویت دم داشته باشد؛ علی الاتصال؛ یا با انفصال؛ یک روز ببیند یک روز نبیند. تمام این ده روز نفاس است. این تمام. ادله اش را هم گفتیم از اجماع تا نص. مسئله نقاء متخلل را هم بحث کردیم کامل شد. و اما اگر رویت دم از ده روز بیشتر بشود؛ نفاس است از ده روز بیشتر شد در این صورت این مرأة یا صاحب عادت است یا صاحب عادت نیست. اگر صاحب عادت است عادت را مورد توجه و معیار قرار بدهد. به چه صورت؟ مثلاً. عادتش هفت روز است. عادت عددیه اش هفت روز است. از روز چهارم نفاس تطبیق می کند تا سه روز بعد از نفا از

ششم ولادت حساب می گیرد تا سه روز بعد از ده رو این هفت روز کلاً می شود حیض و مازاد آن می شود استحاضه. اگر عادت درست؛ کمتر است؛ در حد خود عادت بگیرید. کمتر است؛ کمتر از ده رو بیشتر منظور از ده روز یعنی از آن عشره نفا این صورت معلوم شد؛ و اگر که باز هم رویت دم از ده روز زیاد هست ولیکن صاحب عادت نیست. در این فرض دو قول وجود دارد؛ متن عروه می فرماید که ما هم گفتیم و دلیلش را هم اشاره کردیم می فرماید در این فرض ده روز را نفاس قرار بدهد؛ رویت دم را بعد از ده روز ادامه دارد. ولی او ده روز اول را نفاس قرار دهد قطعاً. و هجده روز را هم احتیاط استحبابی. که دم ادامه داشته باشد؛ رویت دم. این را فهمیدید آراء فقهاء و صاحب نظران

و اما قول دیگر این است که سیدنا الاستاد می فرماید که در این مورد یعنی در صورتی که ذات العادت نیست و رویت دم بیشتر از ده روز هست؛ به عادت اقوام و بستگان خودش مراجعه کند. طبق عادت آنها عمل کند. این صورت مسئله تا اینجا پاک شد. تا اینجا راحت و روشن بود. ادله اش را هم قبلاً گفتیم. برای شما صورت مسئله هم گفتم که کمی بالا. و پایین شده بود؛ خلط نشود. و اما فرمودند در مسئله شماره سه که صاحب عادت؛ یک خانومی که صاحب عادت است ولی ولادت هم کرده. خون نمی بیند رویت دم ندارد تا عادتش تمام شود. عادتش هفت روز بوده ولادت کرده تا هفت روز رویت دم ندارد. چه می شود؟ بعد از هفت روز که خون هم تجاوز کرده از رویت دم هم تجاوز الدم العشره. در این صورت متن عروه می فرماید که صاحب عادته وإن رأی بعض العادة ولم تر البعض الطرف الأول وتجاوز العشرة أتمها بما بعدها إلى العشرة دون ما بعدها فلو كان عاداتها سبعة ولم تر إلى اليوم الثامن فلا نفاس لها. می فرماید فلا نفاس لها؛ این نفاس ندارد. و حیض هم ندارد؛ خون فاسد است. چرا؟ منتها آخرش کار درست می شود؛ فی امکان أحوط. که ما گفتیم أحوط؛ أحوط لزومی است. این مطلبی را که می گوید و اگر در بعد از عادت باشد در داخل ده روز نفاس است؛ ولی بعد از عادت است؛ میگوید نه حیض است نه نفاس. چرا؟ حیض نیست که بعد از عادت است. نفاس هم نیست چون اصلاً نفاس برگرفته از عادت است. نصوصی که داشتیم چه بود؟ باب سه حدیث یک و دو و سه؛ تطبیق می کرد نفاس را به عادت. این قول متن است. شیخ انصاری هم در کتاب طهارت این مطلب را به نقل از فقها اعلام می کند. می گوید که قرار اصحاب این است که اگر این صورت را داشت مسئله؛ نه حیض است و نه نفاس. [1] [2] جامعه المقاصد محقق ثانی هم کتاب جامع المقاصد همین مطلب را تایید می کند که نه حیض است نه نفاس. [3] پس صاحب نظران را هم دیدیم. دلیل مطلب را هم دیدیم. سید الحکیم می فرماید که بهتر و اولی این است که از اطلاعات نفاس استفاده شود و آن سه روز خارج از عادت را حمل بر نفاس کنیم. [4]

نکته تا اینجا گفتیم پیچ تند است اما اگر یادتان باشد یک نکته آرامش بخشی دارد. که هم این متن گفته و هم مقتضای جمع بین ادله که أحوط هست. چه می گوئیم؟ الأحوط لزوماً در مثل چنین مورد؛ جمع بین اعمال طاهر و نفساء که مطلب حل حل است و هیچ مشکلی در کار نیست.

مساله چهارم از مسائل مربوط به مرأة نفساء

مسألة ٤ : اعتبر مشهور العلماء فصل أقل الطهر بين الحيض المتقدم والنفاس ، وكذا بين النفاس والحيض المتأخر ، فلا يحكم بحيضية الدم السابق على الولادة وإن كان بصفة الحيض أو في أيام العادة إذا لم يفصل بينه وبين النفاس عشرة أيام وكذا في الدم المتأخر ، والأقوى عدم اعتباره في الحيض المتقدم كما مر نعم لا يبعد ذلك في الحيض المتأخر لكن الأحوط مراعاة الاحتياط. [5] مسئله چهار را ديروز عنوان كرديم مي فرمايد كه مشهور علما اين است كه يك فاصله اقل طهر بين حيض متقدم و بين النفاس باشد.

شرح مسئله چهارم طبق نصوص و نفى خلاف؛ بلکه اجما اين است كه بين الحيضتين بايد اقل طهر فاصله بشود. اما بين الحيض و النفاس چه طور؟ بايد همين فاصله باشد يا نباشد؟ نظرات و آراء فقهاء از متقدمين علامه حلي قدس الله نفسه الزكيه مي فرمايد كه فاصله اقل طهر بين حيضين و بين حيض و نفاس لازم است. اگر فاصله نباشد يك مرأة اي پنج روز قبل از ولادت رويت دم داشته باشد؛ بعد ولادت كند؛ در اين فرض مي فرمايد كه حكم به حيض نمي شود بلكه حكم به استحاضه است. چرا؟ براي اينكه بين حيض و نفاس اقل طهر فاصله نشده است.

و محقق ثاني يعنى همين صاحب جامع المقاصد كه جامع المقاصد شرح كتاب قواعد علامه است. مي فرمايد كه دليل بر اين مطلب اين است كه نفاس؛ حيض محتبس است براي تغذيه طفل و بعد هم كل احكامي كه در حيض اجرا مي شود در نفاس هم اجرا مي شود. مگر آن احكامي كه استثنا صريحا اعلام شده است مثل استمرار رويت دم در سه روز اول براي حيض و عدم استمرار دم در سه روز اول براي نفاس. بنابر اين بايد فاصله باشد. [6]

و شيخ طائفه شيخ طوسي قدس الله نفسه الزكيه مي فرمايد اين دمى كه پنج روز قبل از ولادت مثلا رويت مي شود اين حكم حيض نيست. چرا؟ براي اينكه گفتيم كه چه؟ كه حامل ممكن است حيض بشود. ولي حامل مستبين قابليت حيض ندارد. شيخ طوسي مي فرمايد اينجا ديگر حامل مستبين است. حامل مستبين يعنى چه؟ يعنى اينكه ديگر روشن شده است كه الان در شروف ولادت قرار دارد. نزديك شده به ولادت. نزديك ولادت كه قرار دارد مستبين حمل؛ يعنى نزديك به ولادت حيض نمي بيند. حيض نيست. [7]

پس يا بر اساس راي شيخ يا بر اساس عدم فصل ده روز بين الحيضه و نفاس؛ حيض قبل از نفاس و بعد از نفاس؛ هر دو اگر فاصله نداشته باشد حيض به حساب نمي آيد. اين رايي بود كه گفته شد از قدما و دليلش را هم گفتيم. والأقوى عدم اعتباره في الحيض المتقدم

صاحب عروه سيد طباطبائي يزدى قدس الله نفسه الزكيه مي فرمايد كه والأقوى عدم اعتباره في الحيض المتقدم. متن را مي فرمايد كه مشهور علما اين است كه اقل طهر بين حيض متقدم و نفاس فاصله باشد كه گفتيم و همينطور بين نفاس و حيض متاخر يعنى حيض بعد از ده روز نفاس. فلا يحكم بحيضية الدم السابق على الولادة وإن كان بصفة الحيض أو في أيام العادة إذا لم يفصل بينه وبين النفاس عشرة أيام وكذا في الدم المتأخر اين كه معلوم

است شرحی بود از آن بیانی که برای شما گفتم. اما می فرماید که والأقوی عدم اعتباره فی الحیض المتقدم كما مر نعم لا یبعد ذلك فی الحیض المتأخر لكن الأحوط مراعاة الاحتیاط.. أقوی این است که عدم و اعتبار این فاصل در حیض متقدم؛ پنج روز قبل از ولادت یا فرض بفرمایید مرأة هفت روز عادتش است. هفت روز رویت دم دارد بعد از هفت روز ولادت می کند. سید می فرماید آن هفت روز حیض است. چرا حیض است؟ یک؛ حامل؛ حائض می شود. دو دلیلی بر وجود فاصله وجود ندارد و اما در حیض متاخر لا یبعد ذلك. نعم لا یبعد ذلك فی الحیض المتأخر لكن الأحوط مراعاة الاحتیاط. در حیضی که فرض کنید نفاس ده روز شد. بعد از ده روز به فاصله یک روز عادت مرأه فرا رسید. هفت روز عادت. می فرماید که در حیض متاخر فاصله بعید نیست که شرط باشد اما در حیض متقدم فاصله شرط نیست. در حیض متاخر بعید نیست که شرط باشد. اولاً شما یک اشکالی می کنید که می گوئید اگر فاصله هست که هست اگر نیست که نیست. این چه می شود که در متقدم فاصله شرط نباشد و در متاخر فاصله شرط باشد؟

سوال: به قول علامه حلی و جامع المقاصد و مشهور علما که فاصله شرط حیض؛ متقدم باشد یا متاخر؟ دلیلش هم چه بود؟ دلیلش هم حیض محتبس و اقل طهر بین حیضین یک امر مسلم منصوص گویا مجمع علیه است. تا اینجا تمام. اما سید می آید فرمایششان را برای ما ثابت بکند؛ برای اینکه متن را مستند بکنیم یا ادله اش را ذکر بکنیم با استفاده از بیان سیدنا الاستاد و اضافاتی از این قرار است. کلام سیدالخوائی

سیدنا الاستاد می فرماید که اولاً درباره فاصله بین حیض و نفاس از اساس دلیل نداریم. آنچه که ما دلیل داریم؛ فاصله اقل طهر بین حیضتین است و بین حیض و النفاس نیست. مطلبی که گفته می شود نفاس حیض محتبس است این مطلب یک مطلب فقهی نیست. ممکن است یک بحث توضیحی باشد در جهت حالات زنهای حامله و حائض. عنوان فقهی ندارد. بنابراین لذا ما در فقه عنوان نفاس را با عنوان حیض از هم جدا بحث می کنیم و دو موضوع جداست و احکام مشترکی هم دارند و احکام جدایی هم دارند. حیض عین نفاس نیست. اگر هم گفته باشد تنزیلی است. در بحث تنزیل داریم که تنزیل به تمام معنا نمی شود امر منزل عین منزل له باشد. تنزیل تا حدودی هم می تواند کافی باشد. یعنی در بعضی از خواص و احکام تنزیل شده نه در همه احکام. تنزیلی است. علی الاقل می گوئیم نفاس حیض تنزیلی است یعنی شبیه همان خون است ولی بعد از ولادت است. حکمش حکم حیض است ولی در مدت ده روز. عین حیض که نمی تواند باشد. بنابراین عینیتی که در کار نبود فاصله ثابت نمی شود. غایت ما فی الباب به اطلاق ادله فاصله اقل طهر مراجعه می شود که اقل طهر بین الحیضتین اطلاق دارد. آن اطلاقش ممکن است شامل اینجا بشود و می فرماید که ما اعلام کردیم که اطلاق شامل نمی شود برای اینکه هر دو مورد با همدیگر فرق دارد. اطلاق که شامل نشد هیچ دلیل دیگری نداریم. اگر شک بکنیم که این شرط هست یا شرط نیست به علامات و ادله صفات مراجعه بکنیم. اگر دیدیم آن دمی که قبل از ولادت هست صفات را دارد صفات حیض را دارد؛ حمل بر صفات می شود. در صورت شک مراجعه. به صفات می شود و با استفاده از صفات حمل بر حیض می شود. قاعده امکان هم جای خودش را دارد. چرا؟ ما چه گفته بودیم؟ گفته بودیم قاعده امکان در صورتی که فاصله

ده روز نباشد جا ندارد. آن جایی بود که فاصله در بین حیضتین ده روز نباشد. اما فاصله بین حیض و نفاس ده روز ثابت نیست. لذا قاعده امکان هم جا دارد چیزی که ممکن است حمل به حیض بشود حمل به حیض بشود بر اساس قاعده امکان. این نسبت به حیض متقدم. اما نسبت به حیض متاخر برای شما بگویم سید می فرماید یعنی سیدنا الاستاد امتثال از بیان متنی که آمده است. می فرماید اگر ما بودیم و همین قاعده در حیض متاخر هم همین حرف را می گفتیم که چه؟ که باید چه کند؟ باید در بین حیض و نفاس لازم نیست که فاصله رعایت بشود. می فرماید اگر ما بودیم و این قواعد؛ طبق قاعده حیض متاخر هم فاصله لازم ندارد آن هم می تواند بلافاصله حیض باشد ولیکن یک روایتی داریم که این روایت صحیحه هم هست. متن روایت: محمد بن یعقوب، عن محمد بن أبي عبد الله، يعني محمد بن جعفر الأسدي، عن معاوية بن حكيم، عن عبد الله بن المغيرة، عن أبي الحسن الأول عليه السلام في امرأة نفست فتركت الصلاة ثلاثين يوما ثم طهرت ثم رأت الدم بعد ذلك، قال: تدع الصلاة، لان أيامها أيام الطهر قد جازت مع أيام النفاس. ورواه الشيخ بإسناده عن محمد بن أبي عبد الله مثله. [8] صحیحہ عبد اللہ بن مغیرہ. رجال سند صحاحند. سریع بخوانم. شیخ کلینی محمد بن یعقوب عن محمد بن ابی عبد اللہ که شیخ کلینی است و از اجلا و ثقات هست. این محمد بن ابی عبدلله یعنی همان محمد بن جعفر اسدی هست عن معاویه بن حکیم که از موثقین و اجلا هست عن ابی عبدلله بن مغیرہ که از اصحاب اجماع هست. سند هم سند تقریبا می توانیم بگوئیم از مصطلحات رجال؛ آل سند است. آل سند که واسطه اش با معصوم کم است. دو واسطه دارد. شیخ کلینی و با سه نفر از آقا امام موسی بن جعفر نقل می کند. عن أبي الحسن الأول عليه السلام في امرأة نفست فتركت الصلاة ثلاثين يوما ثم طهرت ثم رأت الدم بعد ذلك، بعد ذلك. یک زنی که نفاس شده سی روز نمازش را ترک کرده؛ خون می دیده مسئله را هم بلد نبوده. این حدیث نظری به این سی روز از جهت صحت و سقمش ندارد سی روز یک عمل انجام شده ای است فترکت الصلاة ثلاثین یوما ثم طهرت ؛ بعد از سی روز که دیگر خون قطع شد ثم رأت الدم. آنگاه خون دید بعد ذلك. بعد ذلك. فرمود که نماز خودش را فرو بگذارد وانجام ندهد. چرا؟ برای اینکه لعلی ایامها ایام طهر قد جازت مع ایام النفاس. برای اینکه ایامها یعنی آن ده روز طهر که خودش هم توضیح می دهد. ایامها ایام طهر جازت مع النفاس. هم نفاس ده روز گذشته هم ده روز دیگر فاصله گذشته ده روزی که طهر باشد بین نفاس و حیض متاخر. الان که حیض می شود این حیض؛ حیض درستی است. منتها با تحقق این فاصله ده روز. لذا بر اساس این روایت فاصله اقل طهر که ده روز باشد بین نفاس و حیض متاخر جا دارد و درست است منتها أحوط جای خودش را دارد. ولیکن در این مدت که در حیض متاخر فاصله در نظر گرفتیم و در حیض متقدم فاصله در نظر نگرفتیم؛ طبیعتا طبق نص خاصی بود. قاعده ما چیست؟ ما هر موقع یک مطلبی را بر خلاف قاعده بر بخوریم می گوئیم نص خاصی دارد. فاصله بین حیض متاخر و نفاس؛ نص خاص است. فتوای سید برگرفته از این مطلب است. [9]

سوال: جواب: این سی روزی که در اینجا آمده دخی به حکم یا تایید حکم ندارد؛ سی روز عمل انجام شده است. در بحثهای قبلی هم گفتیم روی عمل انجام شده هجده روز سوال

می شود؛ الان هم سوال شده است سی روز نماز نخوانده حالا خون دیده؛ این خون حیض هست یا نیست؟ بله حیض است. چرا؟ چون بعد از نفاس تا این موقع ده روز طهر فاصله شده است و چون فاصله حداقل طهر صورت گرفته است بین نفاس و رویت دم. الان این رویت دم حمل به حیض می شود. چون فاصله اقل طهر واقع شده است. استفاده می شود که بین نفاس و حیض متاخر باید ده روز فاصله صورت بگیرد. سلامتی اقا امام زمان صلوات ختم کنید.

-
- [1] الطهارة، شیخ انصاری، ج4، ص386.
- [2] کتاب الطهارة، الشیخ مرتضی الأنصاري، ج4، ص122..تا ص145
- [3] جامع المقاصد في شرح القواعد، المحقق الثاني (المحقق الكرکي)، ج1، ص346.
- [4] مستمسک العروة الوثقی، الحکیم، السید محسن، ج3، ص448..و 449
- [5] العروة الوثقی، الطباطبائي اليزدي، السید محمد کاظم، ج1، ص272.
- [6] جامع المقاصد في شرح القواعد، المحقق الثاني (المحقق الكرکي)، ج1، ص347..و 348
- [7] المبسوط في فقه الإمامية، الشیخ الطوسي، ج1، ص68..و 69
- [8] وسائل الشيعة، الشیخ الحر العاملي، ج2، ص619، أبواب النفاس.باب، باب5، ح1، ط الإسلامية.
- [9] التنقيح في شرح العروة الوثقی، الخوئي، السید أبوالقاسم - الشیخ میرزا علي الغروي، ج8، ص182..و ص181